



● ترجمه

آیت الله تسخیری از آن جمله شاگردان شهید صدر است که فراوان از اندیشه‌های استاد، به ویژه اندیشه‌های اقتصادی وی وام گرفته است. تقریباً در تمام سخنرانیهای او در اجلاسهای داخلی و خارجی می‌توان جلوه‌هایی از طرحهای اصلاحی شهید صدر را مشاهده کرد. وی همچنین در احیای یاد و اندیشه استاد سعی بلیغ داشته است و نمونه بارز آن برگزاری کنگره بین المللی شهید صدر در زمستان ۷۹ با حضور جمع کثیری از اندیشمندان خارجی و داخلی است. جناب تسخیری به رغم مشغله فراوان در روزهای برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی، در دفتر مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی با ما به گفت و گو نشست و بازگویی خاطراتی شد که برخی از آنها را برای نخستین بار می‌گفت. با سیاست از ایشان که فرصتی را به گفت و شنود با ما اختصاص دادند.

۱ «شهید صدر و نیازهای زمان» در گفت و شنود
شاهد یاران با آیت الله محمد علی تسخیری

آرمان او تبدیل مرجعیت به یک «نهاد» بود...

نظر من یکی از ویژگیهای مهم ایشان این است که نظریه پرداز زبردستی بود. دیگر ویژگی ایشان عمقشان بود. ایشان تعمق زیادی در ادله و تراث بین ادله به دست می‌آورد و تأمل زیادی را مبذول می‌کرد. یکی از نکاتی که می‌توان به این دوصمیمه کرد، دید اجتماعی آن بزرگوار بود. دید اجتماعی برای ایشان، سازنده نتیجه است و یکی از انتقاداتی که به برخی از ادله فقهای بزرگ داشت این بود که اینها ملاحظه نمی‌کنند که اسلام برای همه جوامع آمده است. این طور نیست که این آیین برای یک فرد گوشه‌گیر بیکار آمده باشد که هر چه از احتمالات در ذهنش می‌آید، به جا بیآورد و این نوع استدلال با یک دید و برداشت فردی سازگار است، ولی اگر ما آن دید جهانی و دید باز اجتماعی را در نظر بگیریم، نباید به این نوع استدلال پردازیم. بعد اجتماعی، ویژگی دیگری از مرحوم آقای صدر بود که به همراه نکته‌بینی و نکته‌سنجی، به ایشان مقام خاصی می‌داد. فکرشان ویژگی عمیقی داشت و تفکرشان سازنده بود و لذا به دلیل همین ویژگیها، شاگردان مرحوم آقای صدر، ساخته می‌شدند. مرحوم آقای صدر نه تنها به شاگردان اطلاعات می‌داد، بلکه این اطلاعات، سازنده شخصیت شاگرد بود و در تمام مسیر فکریش، با او باقی می‌ماند. درس مرحوم آقای صدر چقدر در نجف رونق داشت؟ آیا شما جزو اولین گروهی بودید که از ایشان درس گرفتید؟ خیر، قبل از ما گروه دیگری بودند که در میان آنها آقای سید نورالدین اشکوری، آقای سید کاظم حائری، آقای سید محمود هاشمی شاهرودی، آقای سید محمدباقر حکیم، آقای عرفانیان و عده دیگری هم بودند. ما تقریباً نسل دوم شاگردان آقای صدر بودیم.

این درس چقدر رونق داشت؟

جامع آن فکر می‌کرد و حتی هنگامی که در مسئله‌ای فقهی، در باره فرعی بحث می‌کرد، به عمومات فوقانی آن مسئله فرعی توجه می‌کرد و سلسله مراتب را به ترتیب می‌پیمود تا جان تئوری را که حاکم بر این مسئله فرعی و سایر امور فرعی است، به دست آورد. این روش را در اصول هم دنبال می‌کرد و لذا می‌توانم بگویم در اصول هم ایشان، تجدید نظر اساسی انجام داد. در کتاب اقتصادنا وقتی که می‌خواهد تئوری اقتصاد اسلامی و مکتب اقتصادی را به دست آورد، جزئیات منسجم را در کنار مفاهیم و برداشتهای اسلام گرد می‌آورد و از مجموع اینها یک خط مکتبی و مذهبی را به دست می‌آورد. این مسئله را به وضوح در بحثهای اقتصادی، قرآنی و منطقی خود به کار می‌گیرد. به

یک روز من با استاد روزه‌گاردی که یک متفکر بزرگ مارکسیستی بود و اتفاقاً مرحوم آقای صدر در یکی از کتابهایش با او مناقشه کرده بود، صحبت کردم و گفتم: «مارکسیستها مدعی هستند که مرحوم آقای صدر مارکسیست را خوب نفهمیده بود. شما نظرتان چیست؟» ایشان به من گفت که: «اتفاقاً یکی از معدود کسانی که در جهان اسلام، عمق مارکسیسم را درک کرده‌اند، مرحوم آقای صدر بود.»

از نحوه آشنایی خود با شهید صدر چه خاطراتی دارید؟ آشنایی ما با مرحوم آقای صدر در مقطع ورود ما به درس خارج در نجف اشرف بود که ایشان در مسجد کوچکی در نجف، عده‌ای از فضایی خوب را تربیت می‌کردند، هم اصول می‌گفتند و همه فقه، مال‌المذله یک بخش خوبی از درس فقهی و دروس اصولی را نزد مرحوم استاد خواندیم و وقتی که به ایران تبعید شدیم، بقیه دروس اصول را بین خودمان به شیوه مرحوم صدر مباحثه می‌کردیم؛ تا وقتی که یک دوره کامل اصول ایشان را فرا گرفتیم و انصافاً خیلی هم از بحثهای اصول فقه ایشان استفاده کردیم. البته از کتابهای فکری ایشان هم در کنار تحصیل و تدریس فقه و اصول بهره‌های زیادی بردیم. در همان اثنا کتاب اقتصادنا را برای طلبه‌ها تدریس می‌کردم و شاید پنج شش دوره، این کتاب و فلسفتنا را در درس دادم. به هر حال از نوشته‌ها و مجالس ایشان تغذیه علمی جالبی داشتیم و می‌توانم عرض کنم که بخش زیادی از مسیر فکری و روحی و شناخت ما از اسلام را ایشان موجب شدند. من احساس می‌کنم تا حالا هر چه نوشته‌ام؛ متأثر از تفکر ایشان و دارای صبغه‌ای از اندیشه‌های استاد شهید است.

درس ایشان در مقابل دروس فحول دیگر حوزه نجف که از نظر سنی از ایشان بالاتر و از لحاظ زمان آغاز تدریس بر ایشان مقدم بودند، چه مزایایی داشت که شما و دیگران را جذب کرد؟

مرحوم شهید هم در دروسهای فقهی و اصولی و هم در سخنرانیهای عمومی و در کتابهایشان، امتیازات جالبی داشتند که من حیث‌المجموع، ویژگی خاصی به ایشان می‌داد. ایشان به تمام معنای کلمه ایدئولوگ بود، یعنی وقتی مسئله‌ای را بررسی می‌کرد، به نظریه عام آن و ایدئولوژی



شاهد ۱۶۸ بانک اسلامی در دنیا هستیم که چرخش پولی آنها به سطح چهارصد میلیارد دلار در سال می‌رسد و شاهد رسیدن به طرحهای پخته‌تری هستیم. به نظر من طرح بانکداری اسلامی بدون ربا در ایران، تا حد زیادی از آقای صدر گرفته شده است و با آنکه این حرکت در مجموعه تفکرات آقای صدر، حرکتی جزئی بود، ولی بسیار در سطح بانکداری اسلامی بدون ربا، برکت بود. پس نتیجه می‌گیریم هنگامی که ایشان به فکر جامعه اسلامی بود، به طور طبیعی با متفکران عالم ارتباط داشت و پادم هست پس از دریافت کتابهای آقای صدر: «فلسفتنا»، «اقتصادنا» و «الاسس المنطقیه» که در آنجا نظریه منطقی بسیار پیشرفته‌ای مطرح شده است. یکی از متفکران و فیلسوفان بزرگ و معروف مصری می‌گفت، «من سه ستاره بزرگ آسمان تفکر اسلامی را یافته‌ام که یکی از آنها سید محمد باقر صدر است. و تشکر کرد. یک روز من با استاد روژه‌گاردوی که یک متفکر بزرگ مارکسیستی بود و اتفاقاً مرحوم آقای صدر در یکی از کتابهایش با او مناقشه کرده بود، صحبت کردم و گفتم، «مارکسیستها مدعی هستند که مرحوم آقای صدر مارکسیست را خوب نفهمیده بود. شما نظرتان چیست؟» ایشان به من گفت که، «اتفاقاً یکی از معدود کسانی که در جهان اسلام، عمق مارکسیسم را درک کرده‌اند، مرحوم آقای صدر بود.» گمان می‌کنم آقای صدر با متفکران جهان اسلام ارتباطاتی داشت و نامه‌هایی بین آنها ردوبدل می‌شد. این نکته را هم اضافه می‌کنم که وقتی مرحوم امام قدس سره، انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند و حکومت اسلامی را برپا کردند، مرحوم آقای صدر احساس کرد کل امیدهایش در اینجا محقق شده است. ایشان واقعاً پس از این رویداد، از خود بی‌خود شد و نامه‌ای خدمت حضرت امام (ره) نوشت که ما و مرجعیت ما در خدمت شما قرار دارد و از تمام شاگردان و پیروانش خواست که در خط امام ذوب شوند و کلاً در خدمت این حرکت باشند. همچنان که خود امام در خط اسلام ذوب شده است.

بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم، مراجع بزرگی در نجف بودند که بعضاً از اساتید مرحوم صدر هم بودند. چه شد که ایشان به رغم احترامی که برای اساتیدشان قائل بودند به عرصه مرجعیت وارد شدند؟ آیا احساس می‌کردند آن مرجعیت رشیدی که می‌گفتند، وجود ندارد یا می‌خواستند به مرجعیت موجود کمک کنند یا اساساً طرح نوینی برای مرجعیت داشتند و احساس می‌کردند وضعیت کنونی جوابگوی دنیای تشیع نیست؟

مرحوم آقای صدر پس از فوت آقای حکیم، مرجعیت آیت‌الله العظمی آقای خوئی را تأیید کرد و مطمئن بود که خیر الموجودین در آن زمان، مرجعیت ایشان است. پس از پیشرفت کار، احساس کرد موج بیداری عظیمی به وجود آمده است که البته خودش و آثارش و حزبی که زیر نظر ایشان تشکیل شد، یعنی همان حزب الدعوه، تأثیر زیادی در ایجاد این موج داشت. ایشان احساس کرد که عده زیادی از جوانان مایلند ایشان را به مرجعیت برسانند و احساس ضرورت کردند و پس از تأملات زیادی، این مسئله را پذیرفتند تا مقدمات مرجعیت درست شود و اصلاحات مورد نظر خود را انجام دهند. یکی از ویژگیهای ایشان تجدید نظر در ساختار مرجعیت است از طریق طرح مرجعیت رشیده، بدین معنا که می‌خواست مرجعیت را بنیادین کند، یعنی این طور فردی نباشد. نهادینه کردن مرجعیت یعنی به جای اینکه یک فرد، خودش را تربیت کند و به کمال برسد و بعد مرجع شود و یک سال و دو سال مرجع باشد و به رحمت خدا برود و دوباره کار از صفر شروع شود، مرجعیت نهادینه شود و بر

به اعتقاد من در داخل عراق، مرجعیت مرحوم آقای صدر، شانسه به شانسه مرجعیت مرحوم آقای خوئی بود و آینده بیشتری برای ایشان پیش‌بینی می‌شد و می‌توانست به مراحل بالایی برسد، ولی به نظر من آقای صدر در زمینه تفکر اسلامی، اثرات عظیم‌تر و بیشتری از مرجعیتش باقی گذاشت.

کتاب مجتمعا را به دیگران موکول کردیم. پس ملاحظه می‌کنید که ایشان امید داشت که بتواند در بیداری اسلامی اثر بگذارد. ایشان در تبیین جایگاه بسیاری از نهادها و مؤسسات اجتماعی دنیای امروز تلاش با ارزشی کرد. به یاد دارم در جریان یکی از سفرهای تبلیغی به کویت، جمعی از تجار کویتی اعلام کردند که تصمیم دارند یک بانک اسلامی تأسیس کنند و از من خواستند درخواست آنها مبنی بر ارائه طرح یک بانک اسلامی توسط آقای صدر را به ایشان ابلاغ کنم. ایشان به سرعت این طرح را نوشتند. در مقطعی که این طرح ارائه شد، مادر کویت بودیم و به چاپ آن کمک کردیم. یعنی این طرح بانک غیر ربوی که ایشان نوشته‌اند، معلول این درخواست بود؟

بله، برای تأسیس همان بانک در کویت نوشته شد و جانب اینجاست که قبل از این، طرح بانک اسلامی در جهان اسلام نبود.

پژوهشی هم نبود.

نه پژوهشی بود و نه تجربه عملی. طرح بسیار ساده‌ای بود که مهندسی مصری آن را از عمان گرفته بود و در دهی در مصر به نام «بیت خمر» آزمایش کرد که خیلی هم موفق نبود، ولی بعد از طرح آقای صدر و پژوهشهای اقتصادی، امروز ما

در آغاز، در آن مسجد کوچک، شاید هشتاد تا صد نفر بودیم. ولی وقتی که به مسجد مرحوم شیخ طوسی که از مساجد بزرگ نجف است، منتقل شدیم، تعداد شاگردان زیاد شد و فضای بیشتری ملحق شدند.

شواهد نشان می‌دهند که ایشان با اندیشمندان و مراکز اسلامی به ویژه اهل سنت، ارتباطات خوبی داشتند و این هم یکی از ویژگیهای منحصر به فرد ایشان به عنوان یک مرجع تقلید بود. به نظر شما چه عاملی موجب شده بود که اولاً ایشان این قدر راحت با آنها ارتباط داشته باشند و ثانیاً از تعاملات ایشان با مراکز علمی و فرهنگی خارج از عراق، اعم از شیعه و سنی چه خاطره‌ای دارید؟

دید وسیع و جهانی مرحوم آقای صدر، تأمل اجتماعی و شناخت آینده امت اسلامی و طراحی برای این آینده، ایشان را وادار می‌کرد که با متفکران جهان اسلام رابطه برقرار کند. او طریقی طراحی خود، زمینه‌های برپایی جامعه اسلامی نمونه را فراهم می‌کرد و معتقد بود اولاً زیر بنای فلسفی و اعتقادی این جامعه اسلامی باید به طور جامع و شامل تأمین شود. ایشان معتقد بود که اگر بناسن نظام اسلامی برپا شود، باید زمینه‌های آن را فراهم کرد و بر این اساس، با نوشتن، «فلسفتنا»، این زمینه اعتقادی را فراهم کرد و بدیهی است که وقتی زمینه‌های اعتقادی، محکم و صحیح پایه‌ریزی شوند؛ برداشتها و مفاهیم اسلام بر اساس آن، درست تنظیم می‌شوند و پس از آن، مرحله ساختن عواطف و احساسات پیش می‌آید و رهبران جامعه باید این احساسات را بر اساس آن زیربنای اعتقادی و مفهومی، تربیت کنند، یعنی برداشتها را از زندگی، مفهوم تقوا، مفهوم شرافت و امثالهم باید تبیین شوند. پس از ساختن عواطف، رفتار به طور طبیعی ساخته می‌شود، زیرا رفتار انسانها محصول اراده آنهاست و در اراده انسان، شوق و احساسات قوی، کاملاً مؤثرند و احساسات هم هنگامی که از عقیده برخاسته باشد، شخصیت و مسیر زندگی انسان کلاً ساخته می‌شود. ایشان برای بنای چنین جامعه‌ای «فلسفتنا» را و سپس «اقتصادنا» را برای تنظیم مکتب اقتصادی اسلامی و شناخت این مکتب، نوشت و بنا داشت پس از آن، کتاب «مجتمعا» را بنویسد و روابط اجتماعی را تبیین کند، ولی دشمن مهلت نداد و منقول است که ایشان در این اواخر فرموده بودند، «تالیف





می ساخت. زهد ایشان و ارشادات ایشان، تأثیرات زیادی در عمق و روح ما به جا گذاشت. طرحهایی را هم به ما سپرد که ما در مقابل لطف ایشان، ارزشش را نداشتیم. مثلاً یک روز به من و برادری دیگر دستور داد که بیایید یک تفسیر جامع جیبی بر اساس دیدگاه اهل بیت و بر اساس یک دید اجتماعی، برای قرآن کریم بنویسید که هم جیبی باشد، یعنی قابل حمل باشد و هم کسی که آن را می خواند، دید جامع اجتماعی اسلامی را به دست بیاورد. از آن زمان شروع کردم، ولی متأسفانه به علت کم کاری و مشغله های زیادی که خصوصاً بعد از انقلاب داشتم و مسئولیتهایی که به من سپردند، نتوانستم کار را به خاتمه برسانم، گو اینکه تقریباً به جزو بیست و پنجم رسیده ام و امیدوارم خداوند یاری بفرماید که پنج جزو باقیمانده را هم تکمیل و به روح پاک مرحوم شهید تقدیم کنم. طرحهای کوچک تر دیگری هم به ما دادند که انجام دادیم، اما مهم ترین طرحی که به ما سپردند، همین بود که عرض کردم، البته مأموریتهای تبلیغی به ما می دادند. مأموریتی به قطف عربستان برای چند سال، مأموریتی برای لندن که انجام نگرفت و مأموریتهای دیگری هم بود که موفق نشدیم. از اخلاق علمی ایشان چه نکات بارزی را به خاطر دارید؟

مسائل و خطرات فراوانی از شهید صدر وجود دارند که فرصت بیان همه آنها نیست و فقط به پاره ای از آنها اکتفا می کنم، شهید صدر عادت داشتند در مسیر خانه و مسجدی که در آن درس می گفتند، مباحث آن روز و نیز چگونگی عرضه و بیان آن را در ذهن خود مرور می کردند؛ به همین جهت گاهی می آمدند از جلوی در مسجد عبور می کردند و دور دیگری می زدند و بعد وارد مسجد می شدند. معلوم می شد که هنوز مطلب را به طور کامل مرور نکرده اند. برخی از دوستان که با ایشان بودند تعریف می کردند که گاهی این طرف و آن طرف را نگاه می کردیم و شهید صدر اعتراض می کردند که چرا قدر لحظاتی را که در هنگام راه رفتن در اختیار شماسنت نمی دانید؟ از این فرصت برای حل یک معضل اجتماعی، فکری و یا فقهی استفاده کنید. نکته دیگر اینکه شهید صدر به هیچ شاگردی حتی اگر سؤال نامناسبی می پرسید، تندی نمی کرد و فقط اگر می دید اشکال وارد نیست، درس خود را ادامه می داد. من در دوره ای که شاگرد ایشان بودم، هرگز تندی یا برخورد توهین

اساس این مرجعیت نهادینه شده، خدمت بیشتری به رهبریت جامعه بشود. ایشان برای تحقق این طرح وارد عمل شد و تا حد زیادی هم موفق بود که متأسفانه دشمن مهلت نداد.

طرح مرجعیت آقای صدر چه در داخل و چه در خارج عراق، چقدر مورد استقبال قرار گرفت؟

به اعتقاد من در داخل عراق، مرجعیت مرحوم آقای صدر، شانه به شانه مرجعیت مرحوم آقای خوئی بود و آینده بیشتری برای ایشان پیش بینی می شد و می توانست به مراحل بالایی برسد، ولی به نظرم آقای صدر در زمینه تفکر اسلامی، اثرات عظیم تر و بیشتری از مرجعیتش باقی گذاشت. دکتر احمد محمدعلی به من می گفت وقتی که کتاب «اقتصادنا»ی مرحوم شهید صدر منتشر شد، در تفکر اسلامی انقلابی به وجود آمد. ایشان طراح و مجدد بود و ابتکارات جالبی را در سطح تفکر اسلامی و حصول نظریه اقتصادی مکتب اسلام مطرح و روشی را طی کرد و در کتابش فرمود که این روش اجتهادی است از من و ما یلم که دیگران این راه را طی کنند و شاید به نتایجی بهتر و کامل تر و حتی غیر از این برسند و مایل بود در این زمینه بایی باز شود، ولی من طبق مطالعاتم در تفکر اقتصادی اسلامی، به رغم توسعه ای که در این تفکرات به وجود آمده است، کتابی یا اثری ندیده ام که در این زمینه، نظریه بهتری را ارائه کرده باشد. بحثهای اقتصادی جیبی بوده و در زمینه هایی، مسائلی مطرح شده اند، ولی ارائه یک طرح جدید، با این روشی که ایشان طرح کرد، در خلال مطالعاتم و با آنکه اطلاع نسبتاً وسیعی از تفکر شیعه و تفکر سنی دارم، چیز جدیدی ندیده ام.

از روابط شخصی خودتان با آقای صدر و اموری که ایشان به شما محول کردند، خاطراتی را نقل کنید.

ارتباط شخصی من با ایشان در حد عشق بود. مرحوم آقای صدر، تمام مسیر تکاملی ما را اعم از فکری و عملی

آمیزی از ایشان ندیدم و این حاکی از روحیه والای ایشان بود. نکته دیگر زندگی ساده ایشان بود. تا آخر عمر با آنکه پیوسته امکانش برای ایشان فراهم بود که خانه بخرند، ولی پیوسته اجاره نشین بودند. در مورد تربیت فرزندان نیز شیوه های جالبی داشتند، از جمله به همسرشان گفته بودند که اگر من یک وقت با بچه ها تندی کردم، شما با آنها رؤف باشید. شهید صدر اهل برنامه ریزی بود، چه در فکرش، چه در رفتار سیاسی و اجتماعی و چه در رفتار فردی با خانواده.

پس از بازگشت به ایران، رابطه خود را با ایشان چگونه ادامه دادید؟

از راه مکاتبه و از راه مباحثه درسهای ایشان، از راه تواصل و داشتن تماس نزدیک با همه شاگردان ایشان. ارتباط روحی و فکری ما با آقای صدر ادامه داشت و الحمدلله آن فتره برای ما فتره سازندگی شخصیتیمان به حساب می آید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که دوران فشار و حصر رژیم بعث بر ایشان آغاز شد، آیا شما تلاشی برای تسهیل وضعیتشان کردید؟ آیا با ایشان تماسی داشتید؟

نه، من نتوانستم با ایشان تماس برقرار کنم. فقط مکاتبه داشتیم و از ایشان نامه هایی دریافت می کردم که برابم تقویت روحی و بسیار روح بخش بود، اما پس از آمدن، تماس مستقیم با ایشان نداشتیم.

اینک شخصیت فکری و معنوی خود را تا چه حد مرحوم آموزه های شهید صدر می دانید؟

کل شخصیت و کل مسیر فکریم، به مقدار دریافتیم، از روح و فکر بزرگ ایشان متأثر است و احساس می کنم هر چه تولید کرده ام، اگر چیز صالحی باشد و هر مسیری که طی و هر خدمتی که به انقلاب اسلامی و به اهداف بزرگ مرحوم حضرت امام (ره) کرده ام و حتی مسیرم در ارتباط با مرحوم آیت الله مطهری و مسیره های درسی و شخصی و فکری، همگی متأثر از هدایتها و ارشادهای ایشان بوده است. در مقامی که هستم، چقدر برای اشاعه افکار شهید صدر تلاش کرده ام؟

به مقدار توانم سعی کرده ام اولاً در ارتباط با فعالیتهای سیاسی، خط سیاسی ایشان را دنبال و منویات سیاسی ایشان را محقق کنم. حرکت در خط انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را مروج هدایتها و ارشادهای ایشان می دانم. تفکر ایشان را در محافل بین المللی و خصوصاً در مجمع جهانی فقه اسلامی مکرراً مطرح کرده ام، به طوری که بعضی می گفتند مگر شما چیز دیگری ندارید؟ اما من معتقدم خط سالم و سازنده، همین خط است. همچنین سعی کردم اجلاس بزرگی با حضور متفکرین جهانی از جمله همین آقای احمد محمدعلی، رئیس بانک اسلامی و متفکرین دیگر برپا شود و آن نحوی که دیگران آقای صدر را فراموش کردند، ما سعی کردیم این کنفرانس یاد آور این شخصیت باشد و کنفرانس بسیار جالبی بود و کتابهای ایشان احیا و مقاله های زیادی در این زمینه نوشته شد و موجی فکری به وجود آمد، ولی وقتی که مسئولیتهای دیگر بر عهده ام قرار گرفتند، نتوانستم آن کنفرانس را دنبال کنم. من معتقدم کل حرکت اسلامی در عراق، انعکاسی از شخصیت آقای صدر است. منظورم آن حرکت اصیل است و نه حرکت غوغایی و شلوغی و بی برنامه. حرکت با برنامه اسلامی و منطقی و میداری اسلامی در جهان اسلام، تا حد زیادی معلول افکار ایشان است. من نمی خواهم نقش دیگران را نفی کنم. امام رهبر بیداری اسلام در جهان هستند و هنر بزرگشان هدایت حرکت اسلامی به سوی افقهای منوری بود که آقای صدر در تبیین آنها نقش بزرگی داشت.

کل شخصیت و کل مسیر فکریم، به مقدار دریافتیم، از روح و فکر بزرگ ایشان متأثر است و احساس می کنم هر چه تولید کرده ام، اگر چیز صالحی باشد و هر مسیری که طی و هر خدمتی که به انقلاب اسلامی و به اهداف بزرگ مرحوم حضرت امام (ره) کرده ام، همگی متأثر از هدایتها و ارشادهای ایشان بوده است.

کل شخصیت و کل مسیر فکریم، به مقدار دریافتیم، از روح و فکر بزرگ ایشان متأثر است و احساس می کنم هر چه تولید کرده ام، اگر چیز صالحی باشد و هر مسیری که طی و هر خدمتی که به انقلاب اسلامی و به اهداف بزرگ مرحوم حضرت امام (ره) کرده ام، همگی متأثر از هدایتها و ارشادهای ایشان بوده است.

